

نکته نهم: اعراض از وطن

اگر انسان از وطن خود صرف نظر کند و دیگر نخواهد در آن جا زندگی کند، زمانی که از آن جا خارج می‌شود، از وطنش اعراض کرده است. بنابراین، از آن موقع، هر وقت به آن مکان برای صله رحم، زیارت، تفریح و... می‌رود، آن جا برای او حکم وطن را ندارد و نمازش در آن جا شکسته است، هر چند فرد، وطن دیگری هم برای خود انتخاب نکرده باشد؛ مگر آن که عنوانی که موجب تمام شدن نماز است مانند کثیرالسفر یا خانه به دوش یا قصد اقامت دهه، بر این فرد صدق کند که در این صورت، باید نمازش را تمام بخواند.

تذکره ۱: ملاک در اعراض و روی گرداندن از وطن، آن است که فرد اطمینان داشته باشد در آینده برای زندگی و سکونت به آن مکان بر نمی‌گردد. بنابراین فردی که از وطنش به علتی مانند مأموریت شغلی، ازدواج و تحصیل، خارج می‌شود و شهر دیگری را به عنوان وطن انتخاب می‌نماید، چنانچه احتمال قابل توجه بدهد که در آینده برای سکونت و زندگی به وطن سابقش بر می‌گردد، در این صورت، اعراض محقق نشده است و هر وقت به آن مکان می‌رود، نمازش کامل است.

آیت الله مکارم: اعراض از وطن به دو صورت محقق می‌شود:

الف- اعراض قصدی: کسی که قصد دارد برای همیشه یا برای مدت طولانی مثلاً پنج سال یا بیشتر به وطن خود بازنگردد از زمان خروج اعراض محقق شده و دیگر آن جا وطن او محسوب نمی‌شود.

ب- اعراض عملی یا قهری: کسی که قصد دارد مدت نامعلومی را در محلی غیر از وطن خود زندگی کند، چنانچه عملاً تا پنج سال به وطن اصلی بازنگردد، پس از آن اعراض قهری محقق شده و دیگر آن جا وطن او محسوب نمی‌شود. البته اگر هر سال حداقل نود روز گرچه به طور پراکنده به وطن خود رفت و آمد داشته باشد، اعراض قهری یا عملی محقق نمی‌شود.

(مأخذ: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم)

تذکره ۲: بعضی از فقها قائل به نوع دیگری از وطن به نام «وطن شرعی» شده‌اند و در این مورد فرموده‌اند: کسی که در محلی مالک منزل مسکونی است اگر شش ماه متصل با قصد اقامت در آن جا بماند، تا وقتی که آن منزل مال اوست، آن محل حکم وطن او را دارد، پس هر وقت در مسافرت به آن جا برسد، باید نماز را تمام بخواند ولی اکثر مراجع تقلید خصوصاً مراجع مورد نظر ما در این بخش، این نظریه را قبول ندارند.

(مآخذ: توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۱۷، مسأله ۱۳۳۴، توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۴۶۰، مسأله ۱۶۰۸)
